■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی‌ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی ■ سردبیر : روحا... رجایی

جام جم

■ شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰ - ۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۲۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■ پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: به‌صورت همزمان در تهران و شهرستان‌ها (چاپخانه‌های روزنامه جام‌جم)

یکشنبه ۱۸ خرداد ۱۳۹۹ | ۱۵ شوال ۱۴۴۱ | ۲۰ صفحه | سال بیست و یکم - شماره ۵۶۷۵ | استان تهران و البرز ۲۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۰۰۰ تومان | Sunday - 2020 June 7

حدیث روز: **تحف‌العقول**

امام صادق(ع): به دوستت اعتماد مطلق مکن، زیرا زمین خوردن و از پای درآمدن بر اثر دلباختگی و اعتماد همه‌جانبه، درمان و جبرانی ندارد.

پلک احساس: **صائب تبریزی**

در دل ما آرزوی دولت بیدار نیست
چشم ما بسیار از این خواب پریشان دیده است

امروز در تاریخ

- روز جهانی تومور مغزی / روز جهانی اقیانوس‌ها
- زادروز سعید نفیسی، نویسنده، مترجم و شاعر (۱۲۷۴ ش)
- درگذشت غلامحسین نقشینه، بازیگر (۱۳۷۵ش)
- ورود غیرقانونی دو روزنامه‌نگار آمریکایی به کره‌شمالی و محکوم شدن آنها به ۱۲ سال زندان با اعمال شاقه (۲۰۰۹ م)

اوقات شرعی:
اذان ظهر: ۱۳/۰۳ غروب آفتاب: ۲۰/۱۸
اذان مغرب: ۲۰/۳۹ نیمه‌شب شرعی: ۰۰/۱۱
اذان صبح (فردا): ۴/۰۳ طلوع خورشید (فردا): ۵/۴۸

پیش‌بینی آب و هوا دوشنبه

تهران	ایلام	اهواز	ارومیه	بندرعباس	ساری	سمنان	یزد
۲۲ / ۳۲	۱۵ / ۳۳	۳۳ / ۴۵	۱۳ / ۲۹	۲۸ / ۳۵	۱۸ / ۳۰	۲۰ / ۳۳	۲۳ / ۳۵

حکمت ۳۲۰ **نهج‌البلاغه**

برای فهمیدن بپرس، نه برای آزار دادن که نادان آموزش گیرنده، همانند داناست و همانا دانای بی‌انصاف چون نادان بهانه جو است.

راپورت‌های میرزا ادریس

تیرماهی‌های مغرور اسفندی‌های تمامیت‌خواه

حامد عسکری
شاعر و نویسنده

الیوم در مقابل این عجایب صنعتی که کولرآبی نام دارد، لش کرده و داشتیم توی فجازی چرخ می زدیم که چیزی دیدیم و از حرص کلی این خشایار الدنگ را زدیم. جوانکی با دهانی فراخ مسلسل وار یک اسم را می‌گفت و بعد همین طور از سر شکم خصوصیات صاحب اسم را می‌گفت و خلایق ریخته بودند پی جستن نامشان که کی اند و چه اند. مردک مزلف یک لاطائلاتی سر هم می‌بافت و تحویل خلایق می‌داد و رعیت هم کیفور از این دلقک بازی‌ها، کلی گل و استیکر ول داده بودند که به‌به! حامدها رفیق بازند، کریم‌ها عاشق مهمانی رفتن‌اند و مریم‌ها دوست دارند توی چشم باشند. لاکردارها یکی دوتا هم نیستند که... مجدد زدیم پس کله خشایار که این چه زهرماری بود که فالو کردی با صفحه ما؟ عرض کرد که دستمان خورده. ما نمی‌فهمیم این چه مصیبتی است این روزها گریبان زن و مرد و پیر و جوان رعیت ما را گرفته.

هیچ‌کس هم نیست بگوید برادر من! خواهر من! همشیره این پز دادن با ماه تولد هیچ افتخاری ندارد. علت آن‌که تو هیچ نقشی در انتخاب آن نداری. همه روزهای خدا عین همند و هرکسی متولد هر ماهی باشد، محکوم و مجبور و مفتخر به نوعی رفتار مشخص نیست. ما والا هیچ وقت نفهمیدیم یک تیرماهی مغرور با یک اسفندماهی تمامیت‌خواه فرقشان چیست؟ هیچ وقت نفهمیدیم پادشاهی اردیبهشتی‌ها یعنی چه؟ خشایار را صدا زدیم عجالتا دارد توی صفحه‌های عربی می‌گردد، به‌خصوص نسوانشان ببینیم نوشته‌اند: یک ذی الحجه ای شیطون یا یک ربیع الاولی بی حوصله. به خدا که این مدرنیته چه‌هاکه بر سر ما نیاورده و خودمان خبر نداریم. وا... اعلم.

گفت‌وگو با داوود نماینده، گوینده پیشکسوت آثار مستند

با اینستاگرام احساس باسوادی می‌کنند

عکس: جام جم

کافه میرداماد

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

امروز، روز جهانی اقیانوس است. کشور ما به واسطه دریای عمان و خلیج‌فارس به اقیانوس هند دسترسی دارد. این روزها صحبت درباره آلودگی اقیانوس‌ها و این که این حیات قدیمی دنیا در معرض نابودی است، بیشتر مورد توجه است تا زیبایی‌ها و اکوسیستم اقیانوس‌ها؛ چراکه بخش زیادی از بقای کره‌زمین در گرو حفظ اقیانوس‌هاست. داوود نماینده سال‌هاست گویندگی آثار مستند و معتبری را به عهده دارد، از مجموعه دیدنی حس برتر در دهه ۶۰ بگیر تا مستندات مهمی که دیوید آتنبرو درباره اقیانوس‌های جهان و کره زمین ساخته است. گفت‌وگو با نماینده از گلایه او شروع شده درباره زیست آدم‌های امروزی و این که قدیم‌ها -که دوره استاد و شاگردی بود- دنیا، دنیای بهتری بود. این گوینده پیشکسوت درباره زندگی‌اش گفت و بعد رسیدیم به اقیانوس‌ها که نماینده عاشق آنهاست. صحبت‌های او را بخوانید. حتما سبک زندگی او که بچگی‌اش را در محله مولوی گذرانده و پاتوقش کافه نادری بوده برایتان جذاب خواهد بود.

حرمت پیشکسوت‌ها را نگه نمی‌دارند

سیزده چهارده ساله بودم که از مدرسه به کافه نادری می‌رفتم؛ کافه‌ای که محل تجمع نویسندگان و شاعران مهمی مانند زنده‌یاد اخوان ثالث، رهی معیری، فروغ فرخزاد و محمود دولت‌آبادی بود. من فقط به عشق دیدن آنها به کافه می‌رفتم تا سبک زندگی و مراوداتشان را از نزدیک ببینم و به گوش بودم که آنها درباره فرهنگ و هنر چه می‌گویند. وقتی وارد هنر دوبله و گویندگی شدم، خوش شانس بودم که غول‌های این حرفه به من آموزش دادند؛ بزرگانی مانند آذر پژوهش و فیروزه امیرمعز که گوینده برنامه گل‌های رنگارنگ و دیگر برنامه‌های هنری و ادبی بودند. بزرگانی که شعر را می‌خواندند و معنی می‌کردند و همین باعث می‌شد تا سواد و دانش مردم بالا برود. این گویندگان آن‌قدر اشعار را زیبا و آهنگین می‌خواندند که مردم تشویق می‌شدند خودشان غزلیات حافظ و سعدی را بخوانند. آقایان مانی، پرویز بهرام و رسول‌زاده دوبله و فن بیان را به من یاد دادند. استادان دوبله‌ای که هم فن و کار را به ما یاد می‌دادند و هم اخلاق حرفه‌ای را. اما الان جوان‌هایی که از خود ما کار یاد می‌گیرند نه حرمت نگه می‌دارند و نه حرفه‌ای با پیشکسوت‌ها رفتار می‌کنند. در یک کار به عنوان دوبلور حضور پیدا کرده و توقع دارد به او بگویند استاد! در همه حرفه‌ها و به‌خصوص در حوزه فرهنگ و هنر این اتفاق افتاده است. جوانی یک شعر می‌گوید و توقع دارد، استاد خطابش کنند. یک بار روی سن می‌رود و آوازی می‌خواند، توقع دارد به او بگویند استاد آواز! آقای داوود پیرنیا، پایه‌گذار برنامه گل‌های رنگارنگ را در جایی می‌دیدم یا آقایان روح‌ا... خالقی یا استاد بنان را از نزدیک می‌دیدم، تمام بدنم می‌لرزید که من چقدر خوش‌شانسم که آدم‌های بزرگ را می‌بینم و برای ساعتی هم که شده رفتار و گفتار آنها را شاهد هستم و یاد می‌گیرم چه می‌کنند.

بچه مدرسه بَدِر

من و بهروز رضوی از اولین کسانی بودیم که تئاتر به شکل مدرن را در مدرسه اجرا می‌کردیم. اولین تئاتر مشترک من و بهروز، خوراک غاز نام داشت که بعد از اجرا در مدرسه در تالار فرهنگ (پشت تالار وحدت قرار دارد و آن زمان از اولین تالارهای تهران بود) هم آن را اجرا کردیم. من و بهروز به مدرسه بَدِر می‌رفتیم؛ زیر بازارچه نواب. مدرسه‌ای که مسعود کیمیایی هم در آن درس خوانده. کیمیایی عاشق این مدرسه بود و خاطرات زیادی از آنجا داشت و در فیلم گوزن‌ها هم علاقه‌اش به این مدرسه را نشان می‌دهد.

من بچه محله زیربازارچه سوسکی هستم، معروف به باغ فردوس مولوی. متولد و بزرگ شده جنوب شهرم اما خوش‌شانس بودم که در چنین محله‌ای زندگی می‌کردم. اگر همسایه‌ای سردرد می‌گرفت، همه جمع می‌شدند و دست به دست هم می‌دادند که سردرد او را خوب کنند مثل الان نبود که اگر بگویی سرم درد می‌کند، یکی هم می‌زنند توی سرت که دردت بیشتر شود.

اول دبیرستان بودم و کتاب انگلیسی ما قطع جیبی داشت و یک شعر کوتاه از شکسپیر بود که باید ترجمه می‌کردیم. آن زمان چون به کافه نادری رفت و آمد داشتم، آقای ذبیح‌ا... منصوری هم به آنجا می‌آمد و من با او صحبت می‌کردم. از او خواستم در ترجمه آن شعر به من کمک کند. دو روز بعد شعر را سر کلاس خواندم و به معلم هم گفتم در ترجمه‌اش کمک گرفته‌ام. معلم بعد از کلاس که به دفتر رفته بود، به مدیر گفته بود مرا برای گویندگی معرفی کند، چون استعدادش را دارم. آن سال‌ها مدارس با برگزاری مسابقات مختلف استعدادیابی هم می‌کردند و من و بهروز رضوی هم برای گویندگی و دوبله انتخاب شدیم و راهمان را ادامه دادیم.

سطحی‌نگری بیداد می‌کند

آن سال‌ها ما برای رسیدن به خواسته‌ها و آرزوهایمان خیلی تلاش می‌کردیم. من که به فرهنگ و هنر علاقه‌مند بودم. می‌گشتم و آدم‌های کاربلد را پیدا می‌کردم و با آنها ارتباط برقرار می‌کردم که فقط آگاهی و سوادم را بالا ببرم. خانواده، حمایتش در این حد بود که مانع رسیدن به آرزوی ما نشود؛ مثل الان نبود که خانواده همه امکانات را فراهم می‌کند و بچه‌ها هیچ انگیزه‌ای برای زندگی ندارند و گاهی این امکانات آن‌قدر زیاد است که بچه‌ها از همان سن کم دچار خودشیفتگی می‌شوند و تصور می‌کنند در همه حوزه‌ها استاد هستند. فضای مجازی باعث شده اطلاعات سطحی شود و کسی که کمی مطلب در اینستاگرام و تلگرام می‌خواند احساس می‌کند خیلی باسواد است. برای همین است که مثلا یک خواننده به برنامه دورهمی می‌آید و آقای مدیری از او می‌پرسد، پاواروتی را می‌شناسی؟ می‌گوید: نه! درباره دستگاه‌های موسیقی ایرانی می‌پرسد باز هم نمی‌تواند پاسخ بدهد و جای تعجب وقتی است که همین خواننده کنسرت می‌گذارد با بلیت ۲۰۰ هزار تومان و سالن پر می‌شود! چه کسانی به کنسرت او می‌روند؟ همان‌هایی که سواد موسیقایی ندارند و حالا خودتان حساب کنید در جامعه ما چه می‌گذرد و چقدر همه چیز سطحی شده است.

ذره‌بین

سیل، پاسخ بدرفتاری انسان به آب است

داوود نماینده به گفته خودش عاشق دریا، اقیانوس، خلیج‌فارس و دریای عمان است. از مراوداتی که با آتنبرو نیز داشته می‌گوید: این مستندساز با آثاری که ساخته بزرگ‌ترین خدمت را به بشریت کرده است. او در فیلم‌هایش که برخی از آنها از تلویزیون پخش شده دنیای زیر آب و اقیانوس‌ها را به ما نشان داده است. دنیای زیر آب خیلی وقت قبل‌تر از این که خشکی‌ها به وجود بیایند، آفریده شده‌اند. دانشمندان بر این باورند اگر بشر آن‌قدر که برای کشف آسمان وقت و پول هزینه کرده برای کشف اقیانوس‌ها هزینه می‌کرد، الان دنیای بهتر و شگرف‌تر و پیشرفته‌تری داشتیم. اما چون انسان دنیای آب‌ها را نمی‌شناسد روز به روز بیشتر به آن آسیب می‌زند. برای همین است که یخ‌های جنوبگان و شمالگان در حال ذوب شدن هستند و کل اکوسیستم و اقلیم دنیا را متاثر کرده‌اند. هوشیاری آب بسیار بالاست و کوچک‌ترین آسیب را پاسخ می‌دهد. سیل‌ها و سونامی‌ها جواب آب‌ها هستند به بداخلاقی و بدرفتاری انسان‌ها. دریای عمان و خلیج‌فارس از نوادر کره زمین هستند، اما ما به دلیل ناآگاهی محیط، آنها را آلوده کرده‌ایم. به همین دلیل کم‌کم داریم ذخایر عظیم آنها را از دست می‌دهیم. برای حفظ اقیانوس‌ها باید آنها را شناخت و با آنها دوستی کرد. تنها راه نجات کره زمین همین است.

مقطع حساس کنونی

داستان محمدشاه و درباریان زن‌ذلیل

امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

محمدشاه سوم، هفتمین پادشاه سلسله برسوزیان، پس از ۳۴ سال حکمرانی، ناگاه مقداری با خود اندیشید و متوجه شد که در تمام مدت حکمرانی، براساس نظرات و پیشنهادات همسر خود کتایون‌بانو حکمرانی کرده است و کتایون‌بانو به‌طور زیرپوستی تمام خواسته‌های خود را در قالب فرامین پادشاه به منصه اجرا رسانده است. از این رو وزیر اعظم را فرا خواند و از وی خواست در این زمینه تدبیری بیندیشد. وزیر اعظم گفت: اعلیحضرتا، در تمام طول تاریخ این‌گونه بوده است که پادشاهان ذلیل و مطیع همسران خود بوده‌اند و درواقع داشته‌اند فرامین ایشان را اجرا می‌کرده‌اند. وی افزود: هم‌اکنون نیز تمام درباریان مطیع همسران خود هستند و از خود اراده مستقلی ندارند. محمدشاه گفت: باید امتحان کنیم، اگر واقعاً این‌طور باشد خیالی نیست. سپس دستور داد یک پرچم آبی و یک پرچم قرمز در تالار اجتماعات دربار نصب کنند و کلیه درباریان اعم از وزرا و وکلا و کارگزاران و کاسه‌لیسان را در تالار اجتماعات گرد آوردند. وقتی همه درباریان گرد آمدند، محمدشاه پشت تریبون رفت و گفت: می‌دانم که همه شما همسران خوب و شایسته‌ای دارید و هیچ ایرادی ندارد که مطیع آنها باشید و هرکس بگوید زن‌ذلیل، زرزیادی زده است و با من طرف است. وی سپس افزود: حالا که این‌طور است، همه آنها که در زندگی مطیع همسران خودند، زیر پرچم قرمز و همه آنها که نیستند، زیر پرچم آبی جمع شوند. لحظاتی بعد به‌جز یک نفر همه زیر پرچم قرمز جمع شدند. محمدشاه نزد تنها شخصی که زیر پرچم آبی ایستاده بود، رفت و گفت: احسنت به تو. آیا تو واقعا مطیع همسرت نیستی؟ شخص پس از عرض ارادت و خاکساری گفت: غلط بکنم. محمدشاه گفت: پس چرا زیر پرچم آبی ایستاده‌ای؟ شخص گفت: اعلیحضرتا، همسرم استقلالی است و اگر بفهمد زیر پرچم قرمز رفته‌ام، قبای مرا پرچم خواهد کرد. محمدشاه خندید و فهمید که همه همینند و دستور داد خانواده‌ها را هم خبر کنند و شام بیاورند و بر بدن بزنند و تا صبح با رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی به جشن و پایکوبی پرداختند.

مرور و عبور — جام جم ۲۰ سال قبل

خوش‌چهره‌ها سیگار می‌کشند

طبق آمار، حدود ۹۰ درصد افراد سیگاری قبل از ۱۹ سالگی شروع به کشیدن سیگار می‌کنند چون در این سن از تاثیرات زیانبار و کشنده سیگار اطلاع ندارند و نمی‌دانند سیگار ماده‌ای بسیار اعتیادآور به‌نام نیکوتین دارد که پس از مدتی استعمال دخانیات ترک کردن آن بسیار سخت خواهد بود. اعتیادآوری نیکوتین موجود در سیگار در حد موادی مانند هروئین و کوکائین است. یکی دیگر از عوامل روی آوردن جوانان به سیگار فیلم‌های سینمایی خارجی است. در این آثار افراد فرهیخته و خوش‌چهره در مواقع تنش‌های روانی، سیگار می‌کشند و این الگوی رفتاری خطرناک، ناخودآگاه بر ذهن جوانان تاثیر می‌گذارد. (صفحه ۸)

اصغر فرهادی در تدارک سری دوم «داستان یک شهر»

به‌زودی سری جدید مجموعه «داستان یک شهر» به کارگردانی اصغر فرهادی به مرحله تولید خواهد رسید. سری جدید داستان یک شهر، در ۲۶ قسمت ۵۰ دقیقه‌ای تولید خواهد شد و مانند گذشته فرهادی علاوه بر کارگردانی، نویسندگی این مجموعه را نیز به عهده دارد. فرهادی بنا دارد از اوایل مرداد تصویربرداری این مجموعه را آغاز کند تا از مهرماه پخش آن از شبکه پنج شروع شود. این درحالی است که فرهادی به دلیل مشغله کاری از حضور در جمع نویسندگان «روزگار جوانی» انصراف داده است. (صفحه ۳)

نظر بهروز افخمی درباره جبهه مشارکت

بهزاد نبوی از رویارویی با آقای کروبی در موضوع ریاست مجلس خودداری کرد و این یک تشخیص سیاسی از سوی ایشان بود.

بهروز افخمی، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با ایسنا درباره مطلب فوق گفت: از آنجا که آقای نبوی فکر می‌کند در سمت نیابت رئیس مجلس تاثیرگذاری بیشتری خواهد داشت بنابراین از سلیقه سیاسی خود استفاده کرده و با وجود پافشاری‌های فراوان از نامزد شدن برای ریاست خودداری کرد.

افخمی، انتخابات هیات رئیسه موقت را تجربه خوبی برای هواداران جبهه مشارکت دانست و گفت: جبهه مشارکت به این نکته پی برد که به سازماندهی و انسجام نیاز دارد. (صفحه یک)

جام جم
JAM-E-JAM Vol.1 No.32 WED. JUNE 7 2000
روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران

کارشناسان: لااقل نگذارید بقیه بمیرند

تلاش فراکسیون‌های مجلس برای انتخاب هیات رئیسه دائم شدت گرفت

کروبی: مذاکراتی بوده اما مجید انصاری می‌ماند

امروز ۳ قهرمان هرچه دارند «رو» می‌کنند

مسابقه بزرگ جام در جام

«شب چراغ» تا سال ۸۰ روشن می‌شود

الویری: آمده‌ام بمانم، گرچه اختلاف هم دارم

کنفرانس برلین: هر دو نظر سنجی است؛ اما این کجا و آن کجا؟

عمادالدین باقی راهی زندان اوین شد

جلسه دادگاه رسیدگی به پرونده اتهامی عمادالدین باقی، عضو شورای سردبیری روزنامه توقیف شده «فتح» پس از هفت جلسه، بعدازظهر دیروز به پایان رسید.

قاضی مرتضوی در پایان جلسه دادگاه ضمن اعلام کفایت رسیدگی به پرونده باقی گفت: با تقاضای مهلت پنج روزه برای تهیه و ارائه لایحه‌ای به عنوان آخرین دفاعیه از سوی متهم، ختم دادرسی پرونده را اعلام می‌کنم. عمادالدین باقی پس از پایان ششمین جلسه محاکمه به دستور قاضی مرتضوی با قرار بازداشت موقت راهی زندان اوین شد.

در جلسه دیروز پس از آن‌که باقی از ارائه مدرک کتبی در خصوص انتساب درگذشت یادگار امام راحل به محفل‌های اطلاعاتی قتل‌های زنجیره‌ای بازماند، نتیجه استعلام از آقای نیازی، رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح دراین باره خوانده شد که ادعای مذکور را «تلاش متهم جهت انحراف تحقیقات» اظهار کرده بود. (صفحه ۲)

پشت صحنه سریال «اسپیلبرگ»

شهر هانفیلد انگلستان محل تصویربرداری مجموعه «گروه برادران» است که اسپیلبرگ تهیه‌کنندگی آن را به عهده دارد و تام هنکس، مدیر تولید آن است. این مجموعه حال و هوایی جنگی دارد که مثل کار قبلی این دو هنرمند (نجات سرباز رایان) قصه‌ای از جنگ جهانی دوم را تعریف می‌کند. خبر می‌رسد که حدود ۶۰ نفر از اهالی لندن با سفر به هانفیلد در نزدیکی محل تصویربرداری چادر زده و این حضور نابهنگام، دردسرهایی برای سازندگان مجموعه به همراه آورده است. پلیس برای بیرون کردن این مهمانان ناخوانده به نتیجه نرسیده و آنها می‌گویند فقط به دستور دادگاه حاضر به ترک هستند چون قانون به آنها حق سفر و اتراق در هر محلی را می‌دهد و کسی نمی‌تواند مانع حضور آنها در این محل شود. جالب این جاست که این آدم‌ها هیچ کاری به کار گروه سازنده نداشته و حتی تمایلی به تماشای کار آنها هم ندارند. (صفحه ۱۲)